



واحد علوم و تحقیقات

## صلاحیت حقوقی سازمان جهانی تجارت: با تکیه بر مسئله حقوق بشر

دکتر وحید بزرگی\*  
امیر هوشنگ فتحی زاده\*\*

### چکیده

هدف مقاله حاضر پاسخ دادن به این سؤال است که آیا مسائل حقوق بشر در حوزه صلاحیت سازمان جهانی تجارت قرار می‌گیرند یا خیر؟ نویسنده با استفاده از اسناد و منابع سازمان جهانی تجارت و همچنین آثار نویسندگان حقوقی به این نتیجه رسیده که نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت یک نظام حقوقی مستقل و خاص است و رکن حل اختلاف این سازمان تنها می‌تواند به بررسی انطباق یا عدم انطباق اقدامات اعضای این سازمان با مقررات و موافقت‌نامه‌های آن بپردازد و قادر نیست به بررسی نقض حقوق و مقررات سایر نظام‌های حقوقی بین‌المللی، نظیر حقوق بشر بپردازد. با این حال، به رغم استقلال نظام حقوقی این سازمان و رژیم بین‌المللی حقوق بشر از یکدیگر، رکن حل اختلاف سازمان برای تفسیر و روشن ساختن مفهوم موافقت‌نامه‌های سازمان می‌تواند از قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر استفاده نماید.

### کلید واژه‌ها

سازمان جهانی تجارت، رکن حل اختلاف، صلاحیت حقوقی، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل.

\* استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.  
\*\* پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

## مقدمه

رابطه سازمان جهانی تجارت با سایر نظام‌های حقوقی بین‌المللی نظیر حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کار و غیره یکی از مسائل جنجال‌برانگیز در سال‌های اخیر بوده است و عده‌ای با توجه به کارایی نسبی نظام حل اختلاف این سازمان کوشیده یا توصیه کرده‌اند که مسائلی همچون حقوق بشر در حیطه صلاحیت این سازمان قرار گیرد. حال باید ببینیم که چه رابطه‌ای میان سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر وجود دارد؟ آیا رکن حل اختلاف این سازمان می‌تواند به‌دعای مربوط به حقوق بشر رسیدگی کند؟ آیا اعضای این سازمان با توسل به حقوق بشر می‌توانند از اجرای مقررات این سازمان خودداری کنند؟ آیا اعضای این سازمان با استناد به نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر بدون آنکه این نقض حقوق بشر تأثیر مستقیمی در قلمرو آن اعضا داشته باشد، می‌توانند دست به اقدامی بزنند؟ در واقع، این پرسش‌ها و نظایر آنها به یک پرسش محوری مربوط می‌شود که آیا مسائل حقوق بشر در حوزه صلاحیت سازمان جهانی تجارت قرار می‌گیرند یا خیر؟ در مقاله حاضر، با استفاده از اسناد و منابع سازمان جهانی تجارت و همچنین آثار نویسندگان حقوقی سعی می‌شود تا حوزه صلاحیت سازمان مذکور و تعامل آن با حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر روشن شود.

## حوزه صلاحیت سازمان جهانی تجارت

میان اهداف و اصول کلی نظام چندجانبه تجاری (گات و سازمان جهانی تجارت) و کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر نقاط اشتراک بسیاری وجود دارد. هر دو نظام جزئی از تلاش‌های پس از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از تکرار حمایت‌گرایی و محدودیت‌های فاجعه‌آمیز قبل از جنگ از یکسو و تقویت صلح و امنیت و رفاه بین‌المللی از طریق گسترش همکاری بین‌المللی، تحکیم حاکمیت حقوق بین‌الملل و ایجاد سازمان‌ها و سازوکارهای بین‌المللی برای ارتقای ثبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از سوی دیگر بوده‌اند. بر همین اساس، نه تنها در ماه ۵۵ منشور ملل متحد و مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر شاهد اشاره به رعایت حقوق بشر، ارتقای سطح زندگی، اشتغال کامل و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی هستیم، بلکه از جمله در مقدمه موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت نیز به برخی از این گونه اهداف و آرزوها اشاره شده است. اصول نظام چندجانبه تجاری مانند عدم تبعیض، دولت کامله‌الوداد و رفتار ملی و همچنین تقویت حاکمیت بین‌المللی قانون از طریق ایجاد یک سازوکار حل اختلاف مؤثر جزو عوامل عمده تقویت صلح و پیش‌بینی‌پذیری در روابط تجاری بین‌المللی است که باعث ارتقای رشد و رفاه اقتصادی و برابری در مذاکرات تجاری می‌شود. این اصول اشتراک زیادی با دغدغه‌های نظام حقوق بشر درباره آزادی فردی، عدم تبعیض، ایجاد فرصت‌های برابر و حاکمیت قانون دارد.

بدین ترتیب، میان موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت و کنوانسیون‌های حقوق بشر، از نظر رویکرد کلی و برخی حقوق ماهوی (همچون شناسایی حقوق مالکیت فکری و برخی استثنائات و محدودیت‌های مجاز در سازمان جهانی تجارت) اشتراکات زیادی وجود دارد، اما، بین این دو نظام نیز تفاوت‌های مهمی وجود دارد: اولاً، اگرچه نظام چندجانبه تجاری در پی ایجاد محیط اقتصادی است که رفاه را افزایش می‌دهد و در عین حال می‌تواند به ارتقای حقوق بشر بینجامد، ولی این نظام هرگز برای وضع یا اجرای حقوق بشر به وجود نیامده است. همان‌طور که در بند

دانشنامه حقوق و تجارت  
شماره ۹، پاییز ۱۳۸۷

شیراز

سوم مقدمه موافقت نامه سازمان جهانی تجارت ذکر شده، مأموریت و هدف مشخص این سازمان عبارت است از ایجاد ترتیباتی با منافع متقابل از طریق کاهش عمده تعرفه‌ها و موانع تجاری دیگر و حذف رفتار تبعیض آمیز در روابط تجاری بین المللی. ثانیاً، کنوانسیون‌ها یا میثاق‌های حقوق بشر عمدتاً به حقوق و تعهدات موجود بین افراد و دولت‌ها مربوط می‌شوند، حال آن که موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت بیشتر به منزله قراردادهای متقابلی بین دولت‌ها هستند که تعهدات موجود بین دولت‌ها را مشخص می‌کنند. ثالثاً، سازمان جهانی تجارت از نظر تصمیم‌گیری و امور مالی کاملاً تابع اعضای آن است و دبیرخانه آن فقط نقش تسهیل کننده امور اعضای سازمان و ایجاد محفلی برای مذاکرات اعضا را ایفا می‌کند. بنابراین، سازمان جهانی تجارت فقط تا حدی صلاحیت دارد که اعضا به آن اعطا کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

در واقع، برخلاف نظامهای حقوقی داخلی، حقوق بین الملل دچار نوعی «عدم تمرکز» است و در آن یک مرجع تصمیم‌گیرنده و یا قانونگذار مرکزی وجود ندارد. حقوق بین الملل مانند نظام بین الملل تابع بازیگران پراکنده و متعدد آن یعنی دولت‌های ملی - صرف نظر از بازیگران کم‌اهمیت‌تر دیگری مثل افراد، شرکت‌های فراملی و سازمان‌های غیردولتی - است. این دولت‌های ملی دارای تساوی حقوق هستند و حقوق بین الملل توسط آنها و اساساً با رضایت آنها وضع می‌شود. بر این اساس، گذشته از برخی قواعد عمومی حقوق بین الملل، دولت‌ها هر روز می‌توانند معاهدات جدیدی با یکدیگر منعقد نموده و معاهدات قبلی خود را ملغی سازند.

این شرط رضایت دولت‌ها در مورد سازمان‌ها و دادگاه‌های بین المللی هم صادق است. به عبارت دیگر، در عرصه بین المللی نیز یک دادگاه مرکزی واحد وجود ندارد که دولت‌ها ملزم به مراجعه به آن دادگاه در تمام زمینه‌ها باشند. در واقع، دولت‌ها در انتخاب دادگاه مورد نظر خود آزادند و صلاحیت دادگاه‌های بین المللی هم تابع رضایت دولت‌ها یا طرف‌های اختلاف است. این دولت‌ها هستند که موضوع رسیدگی و قانون قابل اعمال در دادگاه‌ها را مشخص می‌کنند. به همین ترتیب، صلاحیت سازمان‌های بین المللی نیز اصولاً تا حدی است که اعضایش به آنها تفویض می‌کنند.<sup>(۲)</sup>

بر این اساس، نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت یک نظام حقوقی خاص می‌باشد که بر اساس یک توافق بین المللی به وجود آمده است. این نظام حقوقی از نوعی استقلال نسبت به نظام‌های حقوقی دیگر همچون حقوق بشر، حقوق جنگ، حقوق دریاها و غیره برخوردار است، گو اینکه یکی از منابع حقوق بین الملل، قواعد امره<sup>۱</sup> است که در کلیه نظام‌های حقوقی باید رعایت شود. بر این اساس، رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت قاعدتاً نمی‌تواند به بررسی نقض یا رعایت حقوق و مقررات خارج از نظام حقوقی این سازمان بپردازد و فقط می‌تواند به بررسی انطباق یا عدم انطباق اعضای این سازمان با مقررات آن بپردازد. در واقع، بررسی نقض یا رعایت نظام‌های حقوقی دیگر از جمله حقوق بشر به مراجع دیگری مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، در حالی که کشورها ملزمند تا کلیه نظام‌های حقوقی را که عضو آنها هستند به اجرا درآورند، رسیدگی به مسائل و اختلافات مربوط به هر یک از این نظام‌های حقوقی به مرجع خاص آن مربوط می‌شود.<sup>(۳)</sup>

این مسئله در مقررات سازمان جهانی تجارت نیز مشاهده می‌شود. از یکسو، در ماده ۲۳ تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف، صلاحیت انحصاری رسیدگی به اختلافات اعضا به رکن حل اختلاف داده شده و مبادرت اعضا به اقدامات یک جانبه منع شده است: «هنگامی که اعضا در صدد جبران نقض تعهدات یا سایر موارد از میان رفتن یا

لطفاً به منافع پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا رفع مانعی بر سر راه دستیابی به هر یک از هدف‌های موافقت‌نامه‌های تحت پوشش برمی‌آیند، باید به قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه متوسل شوند و از آنها تبعیت کنند ... در چنین مواردی، اعضا ... هیچ تصمیمی دایر بر این که نقض رخ داده، منافی از میان رفته یا لطفاً دیده یا دستیابی به هر یک از اهداف موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا مانع روبه‌رو شده است اتخاذ نخواهند کرد، مگر با توسل به [رویه‌های] حل اختلاف مطابق قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه، و [اعضا] چنین تصمیمی را منطبق با یافته‌های مندرج در گزارش هیأت رسیدگی یا رکن استینافی که به تصویب رکن حل اختلاف رسیده یا به موجب یک حکم داوری که طبق این تفاهم‌نامه صادر شده است، اتخاذ خواهند کرد ...»<sup>(۷)</sup>

از سوی دیگر، در مواد متعددی از تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف، حدود صلاحیت رکن حل اختلاف مشخص شده است. طبق ماده ۱ تفاهم‌نامه، این تفاهم‌نامه فقط به اختلافات مرتبط با موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت مربوط می‌شود. همین مضمون در مواد ۲۲ و ۲۳ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و مواد دیگر تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف از جمله ماده ۳، ماده ۷، ماده ۱۱ و بند ۱ ماده ۲۳ آن نیز دیده می‌شود. در بند ۲ ماده ۳ و بند ۲ ماده ۱۹ تفاهم‌نامه هم صریحاً اشاره شده است که «توصیه‌ها و تصمیمات رکن حل اختلاف نمی‌تواند چیزی به حقوق و تعهدات مقرر در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش افزوده و یا از آنها بکاهد». طبق ماده ۲۳ گات و بند ۱ ماده ۲۳ تفاهم‌نامه هم اعضا در مواردی می‌توانند به سازوکار حل اختلاف گات یا سازمان جهانی تجارت متوسل شوند که دستیابی یک عضو به منافع خود در قالب موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا دستیابی به اهداف این موافقت‌نامه‌ها بر اثر عوامل زیر غیرممکن گردد:

- ۱- خودداری یک عضو از اجرای تعهداتش در قالب موافقت‌نامه‌های تحت پوشش (غض نمند)؛
  - ۲- مبادرت یک عضو به اقدامی که به منافع عضو دیگری لطمه زند، ولو اینکه جس قدامی با متاد موافقت‌نامه‌های تحت پوشش مغایرت نداشته باشد (عدم نقض)؛
  - ۳- وجود هر وضعیت دیگری.
- در چهارچوب این صلاحیت، رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت منو مواد معدود تفاهم‌نامه از جمله بند ۱ ماده ۲ و بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۲ آن دارای اختیارات زیر است:
- ۱- تشکیل هیأت رسیدگی یا رکن استینافی؛
  - ۲- تصویب گزارش‌های هیأت رسیدگی و رکن استینافی؛
  - ۳- نظارت بر اجرای توصیه‌ها و احکام؛
  - ۴- تعلیق امتیازات و سایر تعهدات مشمول موافقت‌نامه‌های تحت پوشش؛
  - ۵- اجازه جبران مرضی‌الطرفین.

در ماده ۸ تفاهم‌نامه آمده است که اعضای هیأت رسیدگی باید دارای تخصص و تجربه کافی در زمینه حقوق یا سیاست تجارت بین‌الملل، سیاست تجاری یا موافقت‌نامه‌های تحت پوشش آن باشند در بند ۳ ماده ۱۷ تفاهم‌نامه نیز آمده است که اعضای رکن استینافی باید دارای صلاحیت و مهارت محرر در زمینه حقوق، تجارت بین‌الملل و

موافقت‌نامه‌های تحت پوشش باشند. همین محدود کردن حیطه صلاحیت و تخصص اعضای هیأت رسیدگی و رکن استینافی نشان می‌دهد که رکن حل اختلاف فقط می‌تواند به اختلافات خاص تحت صلاحیت آن رسیدگی کند.

بدین ترتیب، رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، دادگاهی با صلاحیت عام نیست، بلکه دارای صلاحیت محدودی است و فقط می‌تواند به اختلافاتی رسیدگی کند که به موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت مربوط می‌شوند و نمی‌تواند هیچ چیزی به‌این موافقت‌نامه‌ها اضافه یا از آنها کم کند. که این امر به خود اعضای سازمان بستگی دارد. اعضای سازمان طبق رویه‌های خاصی که در ماده ۱۰ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت و برخی مواد سایر موافقت‌نامه‌های این سازمان پیش‌بینی شده است می‌توانند مفاد این موافقت‌نامه‌ها را تغییر دهند.

با این حال، به‌رغم استقلال نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت از رژیم بین‌المللی حقوق بشر، باید به‌این نکته اشاره نمود که در برخی از موافقت‌نامه‌های این سازمان به‌مواردی از حقوق بشر اشاره و از آنها حمایت شده است و این‌گونه موارد طبعاً می‌تواند جزو صلاحیت رکن حل اختلاف این سازمان قرار گیرد. برای مثال، در ماده ۲۰ گات با عنوان «استثنائات عمومی» به‌حق حفاظت از اخلاق عمومی، حق حفاظت از حیات یا سلامت انسان و حیوان و گیاه، حق اتخاذ اقدامات مربوط به محصولات تولیدشده توسط زندانیان و حق حفاظت از منابع طبیعی تمام‌شدنی و در ماده ۲۱ گات با عنوان «استثنائات امنیتی» نیز به‌اولویت انجام تعهدات اعضا در چارچوب منشور ملل متحد در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی [از جمله اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه نقض گسترده حقوق بشر] اشاره شده است. این استثنائات عمومی در ماده ۱۴ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) و ماده ۲۳ موافقت‌نامه خریدهای دولتی هم ذکر شده‌اند. در مواد مختلف موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تربیس) از جمله در بند ۲ ماده ۲۷ آن در مورد اعطای حق اختراع هم به‌نوعی به‌استثنائات عمومی اشاره شده است. (البته در موافقت‌نامه خریدهای دولتی و موافقت‌نامه تربیس اصطلاح «استثنائات عمومی» به‌کار نرفته است).

در سایر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت چنین موادی وجود ندارد، گو اینکه در ماده ۳ موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری آمده است که «در صورت اقتضا، کلیه استثنائات مذکور در گات ۱۹۹۴، در مورد مفاد موافقت‌نامه حاضر قابل اعمال خواهد بود» و بر این اساس ماده ۲۰ گات در مورد موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری قائل کاربرد خواهد بود. شایان ذکر است که در موافقت‌نامه موانع فنی تجارت، رویکرد متفاوتی مشاهده می‌شود و در این موافقت‌نامه، به‌جای آن که از مفهوم «استثنائات عمومی» در رابطه با مسائل مرتبط با حقوق بشر همچون حفاظت از زندگی و سلامت انسان استفاده کند، مسائل مذکور اصلاً جزو قواعد تجاری آورده شده‌اند. در بند ۲ ماده ۲ این موافقت‌نامه چنین آمده است: «اعضا تضمین خواهند کرد که مقررات فنی به‌منظور ایجاد موانع غیرلازم فرا راه تجارت بین‌الملل یا با چنین اثری، تهیه، تصویب یا اجرا نشوند. بدین منظور، مقررات فنی نباید از لحاظ تجاری محدودیتی بیش از آنچه برای تحقق هدفی مشروع، یا در نظر گرفتن خطرات ناشی از عدم تحقق آن، لازم است ایجاد کنند این اهداف مشروع از جمله عبارتند از الزامات امنیت ملی، جلوگیری از رویه‌های فریبکارانه، حفظ سلامتی یا ایمنی انسان، حفظ حیات یا بهداشت حیوانات یا گیاهان، یا حفاظت از محیط‌زیست». بدین ترتیب، در این ماده به‌جای مفهوم «استثنائات عمومی» از مفهوم «اهداف مشروع» استفاده شده و با باز گذاشتن فهرست این اهداف مشروع، انعطاف لازم برای

تجاری سرمایه‌گذاری

تربیس

استفاده از سایر اهداف مشروع فراهم شده است.<sup>(۸)</sup>

حال، در اینجا این سؤال می‌تواند مطرح شود که آیا مفاد گات و استثنائات آن در مورد سایر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت هم قابل اعمال است یا خیر؟ عده‌ای در مورد امکان تعمیم مفاد و استثنائات گات به سایر موافقت‌نامه‌های چندجانبه سازمان جهانی تجارت تشکیک کرده و معتقدند که رابطه استثنائات گات با سایر موافقت‌نامه‌های چندجانبه کاملاً روشن نیست. آنها می‌گویند اگرچه در ماده ۲۰ گات آمده است که «هیچ چیز در موافقت‌نامه حاضر آن گونه تفسیر نخواهد شد که مانع اتخاذ یا اجرای اقدامات ضروری برای حفاظت از اخلاق عمومی ... به وسیله هر طرف متعاقد گردد»، ولی در یادداشت تفسیری کلی ابتدایی پیوست ۱ (الف) موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت آمده است که «در صورت تعارض بین یک مقررہ گات ۱۹۹۴ و مقررہ‌ای از یکی از موافقت‌نامه‌های دیگر پیوست ۱ (الف) موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت ... مقررہ موافقت‌نامه دیگر، در محدوده‌ای که تعارض وجود دارد، مقدم خواهد بود» که این امر قابل کاربرد بودن استثنائات عمومی گات در مورد سایر موافقت‌نامه‌های چندجانبه سازمان جهانی تجارت را دچار تردید می‌سازد.<sup>(۹)</sup>

با این حال، در دعوای آمریکا علیه هند در مورد محصولات دارویی و محصولات شیمیایی کشاورزی که در ۷ نوامبر ۱۹۹۶ اقامه شد، هیأت رسیدگی در گزارش خود اظهار نمود که اگرچه موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) یک موافقت‌نامه «خاص» و دارای استقلال نسبی در چهارچوب موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت است، اما آن موافقت‌نامه جزئی از نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت می‌باشد که خود براساس تجربه بیش از نیم قرن گات استوار شده است و همان‌طور که در بند ۱ ماده ۱۶ موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت آمده است، این سازمان براساس تصمیمات، رویه‌ها و عملکرد عرفی ارکان و طرفهای متعاقد گات ۱۹۴۷ عمل خواهد کرد، مگر اینکه در موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت یا موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه به نحو دیگری مقرر شده باشد. این مطلب در گزارش رکن استینافی هم مورد تأیید قرار گرفت و دو گزارش مذکور در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ در رکن حل اختلاف یعنی از طرف اعضای سازمان جهانی تجارت به تصویب رسیدند. بدیهی است که توافق و تصویب اعضای سازمان به این حکم اعتبار ویژه‌ای می‌بخشد.<sup>(۱۰)</sup>

### سازمان جهانی تجارت و حقوق بین‌الملل

محدودیت حوزه صلاحیت سازمان جهانی تجارت بدین معنا نیست که این سازمان کاملاً از حقوق بین‌الملل عمومی و نظام حقوق بشر مجزاست و هیچ ارتباطی با آنها ندارد.<sup>(۱۱)</sup> گذشته از این که دولت‌ها باید کلیه تعهدات خود از جمله در زمینه حقوق بشر را با حسن نیت اجرا کنند، در بند ۲ ماده ۳ تقاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف آمده است که نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت برای روشن ساختن مفاد موافقت‌نامه‌های این سازمان از قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل عمومی استفاده می‌کند. حال، طبق مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، تفسیر معاهدات باید براساس معیارهای زیر انجام گیرد:

۱- معنای عادی و متداول کلمات معاهده؛

## ۲- سیاق کلمات معاهده شامل؛

الف) متن معاهده شامل مقدمه و ضمایم آن

ب) هر توافق مرتبط با معاهده که به مناسبت انعقاد معاهده بین همه طرف‌های معاهده به وجود آمده باشد.  
پ) هر سندی که به مناسبت انعقاد معاهده توسط یک طرف یا تعدادی از طرف‌های معاهده تنظیم شده باشد  
و سایر طرف‌های معاهده آن را همچون سندی مرتبط با معاهده پذیرفته باشند.

۳- موضوع و هدف معاهده؛

۴- توافقات و رویه‌های مرتبط بعدی که بین طرف‌های معاهده منعقد یا پذیرفته شده باشد؛

۵- قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل که بین طرف‌های معاهده قابل اجرا باشد؛

ع) معنای خاص کلمات در نظر طرف‌های معاهده؛

۷- وسایل مکمل تفسیر بخصوص کارهای مقدماتی و اوضاع و احوالی که در آنها معاهده منعقد شده است

از موارد بالا، آنچه بیشتر به موضوع بحث ما (ارتباط سازمان جهانی تجارت یا حقوق بین‌الملل) مربوط می‌شود عبارت است از: قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل که بین طرف‌های معاهده قابل اجرا باشد (شق «پ» از بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون). حال این سؤال مطرح می‌شود که «قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل» کدامند؟  
بناظر می‌رسد که «قواعد حقوق بین‌الملل» کلیه منابع حقوق بین‌الملل را در برگیرد و طبق بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه

دیوان بین‌المللی دادگستری، این منابع عبارتند از:

۱- معاهدات بین‌المللی عمومی یا خصوصی که قواعد آنها را طرف‌های اختلاف به رسمیت شناخته‌اند؛<sup>(۱۲)</sup>

۲- عرف بین‌المللی به‌عنوان رویه‌ای کلی که به‌صورت قانون پذیرفته شده است؛

۳- اصول کلی حقوقی که به‌وسیله ملل متمدن به رسمیت شناخته شده‌اند؛<sup>(۱۳)</sup>

۴- رویه قضایی و عقاید دانشمندان حقوقی به‌عنوان وسیله فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.<sup>(۱۴)</sup>

بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد که هدف کنوانسیون وین از درج عبارت «قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل که بین طرف‌های معاهده قابل اجرا باشد» تقویت انسجام و یکپارچگی<sup>۱</sup> در حقوق بین‌الملل بوده است، به‌طوری که هر معاهده‌ای به‌گونه‌ای تفسیر شود که با معاهدات دیگر تعارض نداشته باشد. بنابراین، در تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت هم باید سایر قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر در نظر گرفته شوند.<sup>(۱۵)</sup>

به‌عبارت دیگر، اگرچه رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نمی‌تواند به‌مسائل و اختلافات مربوط به نظام‌های حقوقی غیر از نظام حقوقی این سازمان - همچون نظام حقوق بشر - رسیدگی کرده و در مورد آنها اظهار نظر کند، ولی این رکن برای تفسیر و روشن ساختن مفهوم مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان می‌تواند از قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر استفاده کند. حال، اگر در نهایت بین مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر در موردی تعارض وجود داشته باشد، تکلیف چیست؟

## تعارض بین مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر

طبق اصل کلی حسن نیت<sup>۱</sup> در حقوق بین الملل، کشورها اصولاً با این هدف به انعقاد معاهدات می پردازند که آنها را به اجرا در آورند. بنابراین، کشورها باید با حسن نیت به کلیه حقوق و تعهدات خود احترام بگذارند و به آنها پایبند باشند. بر همین اساس، این قاعده کلی مطرح شده که معاهدات مختلف را تا حد ممکن باید به گونه ای تفسیر نمود که با یکدیگر تعارض نداشته باشند. در واقع، فرض می شود که کلیه حقوق و تعهدات کشورها یک مجموعه یکپارچه را تشکیل می دهند که قاعدتاً نباید بین اجزای آن تعارض وجود داشته باشد. وجود تعارض بین دو قاعده یا تعهد به این معناست که به طور همزمان نمی توان هر دو را رعایت یا اجرا نمود.<sup>(۱۶)</sup>

ماهیت تعهدات و مسائل تحت پوشش سازمان جهانی تجارت و وجود استثنائات و انعطاف های زیاد از جمله در مواد ۲۰ و ۲۱ گات که قبلاً به آنها اشاره شد، باعث می شود که از طریق تفسیر یا حسن نیت تا حد زیادی جلوی بروز تعارض بین مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر گرفته شود. با این حال، امکان بروز تعارض بین آنها چه به طور مستقیم و چه در مرحله اجرا وجود دارد. در این صورت، تکلیف چیست و رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت چه باید بکند؟

به طور کلی، همان طور که قبلاً اشاره شد، نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت یک نظام حقوقی خاص در حقوق بین الملل است و نظام های حقوقی دیگر (از جمله حقوق بشر) نمی توانند مستقیماً در آن اعمال شوند. حال، اگر مسئله حقوق بشر در دعاوی اعضای این سازمان مطرح شد، هیأت رسیدگی ابتدا باید بررسی کند که آن مسئله حقوق بشری به موضوع مورد رسیدگی مربوط می شود یا خیر؟ در صورت مربوط بودن، هیأت رسیدگی با در نظر گرفتن حقوق بشر مربوطه باید به گونه ای به تفسیر مقررات سازمان جهانی تجارت بپردازد که تعارضی میان این مقررات و آن حقوق بشر به وجود نیاید. حال، اگر در نهایت رفع تعارض غیرممکن باشد، هیأت رسیدگی باید اعلام کند که حقوق بشر نمی تواند مستقیماً در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت اعمال شود و هیأت فاقد صلاحیت تفسیر و اعمال معاهدات و نظام های حقوقی دیگر است و نمی تواند به مفاد موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت چیزی اضافه یا از آن کم کند. در اینجا، هیأت می تواند به رکن حل اختلاف گزارش داده و تارسایی های مقررات سازمان جهانی تجارت و تفاهم نامه قواعد و رویه های حل اختلاف را در این زمینه گوشزد کند.<sup>(۱۷)</sup>

در واقع، مسئولیت نقض حقوق بشر به خود کشور متخلف مربوط می شود و باید در جای دیگری به آن رسیدگی شود، نه در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت. این نظام ها یا مراجع رسیدگی در موازات یکدیگر قرار دارند و این امر عدم یکپارچگی نظام های قضایی بین المللی را نشان می دهد. این عدم یکپارچگی موجب می شود تا یک قضیه واحد یا ابعاد مختلف یک قضیه واحد را بتوان در محاکم مختلف - همانند شورای حقوق بشر، یک دادگاه ملی، یک دادگاه منطقه ای یا رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت - مطرح ساخت که ممکن است به نتایج متفاوت یا متعارضی برسند و حقوق بین الملل دچار از هم گسیختگی و ناسازگاری شود. از اینرو، تلاش برای ایجاد هماهنگی میان حوزه های قضایی مختلف ضرورت دارد و بدین ترتیب، در نهایت، حل مسئله تعارض نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت و نظام حقوق بشر به خود دولت ها مربوط می شود و نه به هیأت های رسیدگی در سازمان

دانشنامه حقوق و سیاست  
شماره ۹، پاییز ۱۳۸۷  
شماره ۹، پاییز ۱۳۸۷  
۲۴



## جهانی تجارت.

در اینجا باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که صرف‌نظر از استقلال و جدایی دو نظام حقوقی مذکور، برخی نویسندگان معتقدند که ایجاد ارتباط بین این دو نظام با این مشکل هم روبه‌روست که حقوق بشر دامنه بسیار گسترده‌ای دارد که اجرای تمامی آنها از طریق سازمان جهانی تجارت غیرممکن است و اگر فقط به عمده‌ترین و اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر هم اکتفا کنیم، صرف‌نظر از لطمه این امر به اصل یکپارچگی و تفکیک‌ناپذیری حقوق بشر، باز هم تعیین این «استانداردهای اساسی حقوق بشر»<sup>۱</sup> بسیار دشوار است. برخلاف برخی اسناد بین‌المللی که تعهدات و استانداردهای مشخصی را در حوزه مربوطه مقرر ساخته‌اند، در کنوانسیون‌های حقوق بشر استانداردهای روشن و قابل‌کاربردی وجود ندارد و این امر ارزیابی سازگاری یا ناسازگاری اقدامات اعضای سازمان جهانی تجارت با حقوق بشر را دشوار می‌سازد.

این ابهام و دشواری معلول عوامل بسیاری است که برخی از آنها عبارتند از: همه اعضای سازمان جهانی تجارت عضو کنوانسیون‌های یکسانی نیستند، بین متخصصان حقوق بشر در مورد استانداردهای مذکور اختلاف‌نظر وجود دارد، تفاوتی عملی (نه لزوماً رسمی) در درجه اهمیت و اعتبار انواع حقوق بشر وجود دارد، تعهدات کشورها در چارچوب کنوانسیون‌های حقوق بشر بر اثر حق شرط آنها<sup>۲</sup> تفاوت دارد و در خود کنوانسیون‌های حقوق بشر استثنائات و انعطاف‌هایی وجود دارد.<sup>(۳)</sup>

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که دیدیم، نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت یک نظام حقوقی مستقل و خاص است و رکن حل اختلاف این سازمان فقط می‌تواند به بررسی انطباق یا عدم انطباق اقدامات اعضای این سازمان با مقررات و موافقت‌نامه‌های آن بپردازد و نمی‌تواند به بررسی نقض حقوق و مقررات سایر نظام‌های حقوقی بین‌المللی نظیر حقوق بشر بپردازد. با این حال، به‌رغم استقلال نظام حقوقی این سازمان و رژیم بین‌المللی حقوق بشر از یکدیگر، رکن حل اختلاف سازمان برای تفسیر و روشن ساختن مفهوم موافقت‌نامه‌های سازمان می‌تواند از قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر استفاده کند در تفسیر معاهدات یا رژیم‌های حقوقی مختلف هم باید حتی‌المقدور سعی شود که با یکدیگر تعارض نداشته باشند، اما در صورتی که در نهایت بین نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت و حقوق بشر تعارض پدید آید، رکن حل اختلاف با توجه به صلاحیت محدود آن نمی‌تواند به تفسیر و اعمال معاهدات و نظام‌های حقوقی دیگر بپردازد و همچنین نمی‌تواند به مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت چیزی اضافه یا از آن کم کند. تنها کاری که رکن حل اختلاف می‌تواند انجام دهد اعلام تعارض مذکور به اعضای سازمان جهانی تجارت است و مسئولیت نقض حقوق بشر و تصمیم‌گیری برای رفع آن به عهده خود اعضای سازمان است.

1. Core human rights standards
2. Reservation

پی نوشت‌ها:

1- Lim, Hoe "Trade and Human Rights: What's at Issue?" Working Paper Submitted at the 25th session of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights. Geneva, 23 April- 11 May 2001, UN document EIC.12/2001/WP.2 (10 April 2001), p. 2-4 and Dean Dalke, "Enforcing Human Rights through the WTO: A International Trade Law and Policy No. 58, 2004, p. 17-20.

۲- ر.ک. به مواد ۲۸-۳۴ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات.

3- Pauwelyn, Joost, "The Role of Public International Law in the WTO: How Far Can We Go?" *The American Journal of International Law*, vol.95. no.3, 2001, p.535-538 and 552-553.

4- Marceau, Gabrielle, "WTO Dispute Settlement and Human Rights", *European Journal of International Law*, vol.13, no.4, 2002, p.766-773.

۵- قاعده امره، قاعده‌ای است که از طرف کل جامعه بین‌الملل به‌عنوان یک قاعده اساسی که نقض آن جایز نیست، پذیرفته و شناخته شده است و فقط به‌وسیله یک قاعده جدید حقوق بین‌الملل عام که دارای همان خصوصیت باشد، تغییر می‌کند. هر قرارداد یا معاهده‌ای که با قاعده امره تعارض داشته باشد از آغاز باطل است و هر قاعده امره جدیدی هم از تاریخی که به‌وجود می‌آید قراردادها یا معاهدات موجودی را که با آن تعارض داشته باشند باطل می‌سازد. این تعریف از قاعده امره، از مواد ۵۳ و ۶۴ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات استنتاج می‌شود. برای آشنایی با قواعد امره، ر. ک. به: ذوالعین، پرویز، *معانی حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷، صص ۷۷۲-۷۵۶.

۶- مسئله کثرت و چندگانگی نظام‌های حقوقی بین‌المللی موضوع بحث نویسندگان زیادی بوده است. برای بررسی جوانب مثبت و منفی این مسئله، از جمله، ر. ک. به:

Pauwelyn, Joost, "Bridging Fragmentation and Unity: International Law as a Universe of Inter-Connected Islands". *Michigan Journal of International Law*, vol.25, no.4. 2004, p.903-916; William W. Burke-White, "International Legal Pluralism". *Michigan Journal of International Law*, vol.25, no.4, 2004, p.963-979; Pemmaraju Sreenivasa Rao, "Multiple International Judicial Forums: A Reflection of the Growing Strength of International Law or Its Fragmentation?" *Michigan Journal of International Law*, vol.25, no.4, 2004, p.929-961 and Gerhard Hafner, "Pros and Cons Ensuing from Fragmentation of International Law." *Michigan Journal of International Law*, vol.25, no.4, 2004, p.849-863.

۷- بدین ترتیب، با پذیرش مفاد خاص‌تر ماده ۲۳ تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف، در سازمان جهانی تجارت، توسل به ماده ۶۰ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات میسر نیست. طبق ماده ۶۰ کنوانسیون مذکور، در صورت نقض یک معاهده از سوی یکی از طرف‌های آن، طرف دیگر می‌تواند اجرای آن معاهده را متوقف یا معلق سازد. ر. ک. به: فلسفی، هدایت‌الله، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹، ص ۷۵۰. برای مطالعه ترجمه فارسی مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت از جمله تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف، ر. ک. به سازمان جهانی تجارت، اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت: نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه، ترجمه سعید طارم سری و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵، بزرگی مشاهده متن انگلیسی این اثر، ر. ک. به:

- World Trade Organization, *The Legal Texts: The Results of the Uruguay Round of Multilateral Trade Negotiations*. Geneva: WTO Publications, 2002.

۸- برای تفسیر موسع مفاد ماده ۲۰ گات درباره برخی از مصادیق حقوق بشر، ر. ک. به:

Zagel, Gudrun Monika, "WTO and Human Rights: Examining Linkages and Suggesting Convergence." *IDLO Voices of Development Jurists Paper Series*, vol.2, no. 2, 2005 p. 12-13 <<http://www.worldtradelaw.net/articles/zagelhumanrights.pdf>> and Office of the United Nations High Commissioner

دانشنامه حقوق و سیاست  
شماره ۹، پاییز ۱۳۸۷

فصلنامه حقوق و سیاست

for Human Rights (OHCHR), "Human Rights and World Trade Agreements" 2005, chaps 1 and 2 <<http://www.ohchr.org/english/about/publications/docs/WTO.pdf>>.

برای آشنایی با ارتباط موافقت‌نامه تریپس با حقوق بشر، ر. ک. به:

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR), *op.cit.*, p. 6-9.

برای آشنایی با رویکردهای مختلف درباره رابطه حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر و سابقه تاریخی تعامل و تنش موجود بین این دو رژیم حقوقی در مجامع بین‌المللی، ر. ک. به:

Helfer, Laurence R. "Human Rights and Intellectual Property: Conflict or Coexistence?" *Minnesota Intellectual Property Review*, vol.5, no.1, 2003, p.47-61 and David Weissbrodt and Kell Schoff, "Human Rights Approach to Intellectual Property Protection: The Genesis and Application of Sub-Commission Resolution 2000/77", *Minnesota Intellectual Property Review*, vol.5, no.1, 2003, p.1-46.

9- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR), *op. cit.*, p. 18-19, note 19.

۱۰- برای مطالعه گزارشات هیأت رسیدگی و رکن استینافی، به ترتیب، ر. ک. به:

- WTO documents WT/DS50/R dated 5 September 1997, p. 51 and WT/DS50/AB/R dated 19 December 1997, p. 14-15.

11- Marceau, Gabrielle, *op. cit.*, p. 779.

۱۲- برخی معتقدند که با توجه به رویه قضایی گات و سازمان جهانی تجارت در مجموع می‌توان گفت که قابل کاربرد یا مرتبط بودن یک قاعده حقوق بین‌الملل یا یک معاهده یا حتی یک قانون داخلی برای تفسیر مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت به‌پذیرش یا مقبولیت آن نزد طرف‌های درگیر قضیه مورد اختلاف (که می‌تواند دوجانبه، منطقه‌ای یا چندجانبه باشد) بستگی دارد.

- Marceau, Gabrielle, *op. cit.*, p. 780-784

- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR), *op. cit.*, p. 8.

به‌نظر این دو نویسنده، عبارت «طرف‌های اختلاف» در شق اول بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نباید این طور تفسیر شود که قابل کاربرد بودن قواعد حقوق بین‌الملل صرفاً منوط به‌قابل کاربرد بودن آنها در مورد کلیه اعضای سازمان جهانی تجارت است. اعضای هیچ معاهده بین‌المللی دقیقاً با اعضای سازمان جهانی تجارت یکسان نیستند و از آنجا که این سازمان دارای اعضای فاقد حاکمیت نیز هست، اعضای این سازمان نمی‌تواند دقیقاً با اعضای هر کدام از معاهدات بین‌المللی دیگر یکسان باشند به‌علاوه، در برخی موارد، رکن استینافی سازمان جهانی تجارت برای تفسیر معنای مفاد خاصی از موافقت‌نامه‌های این سازمان به‌معاهدات بین‌المللی استناد نموده است که اعضای آنها با اعضای این سازمان تفاوت داشته‌اند. برای مثال، رکن استینافی در دعوی میگو - لاکچست در تفسیر عبارت «منابع طبیعی تمام‌شدنی» به‌کنوناسیون تجارت بین‌المللی گیاهان و جانوران وحشی در معرض خطر (Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES) و سایر موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه اشاره کرده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که برای تفسیر مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌توان از معاهدات بین‌المللی دارای اعضای زیاد هم استفاده کرد.

در مقابل این نظر، عده‌ای دیگر معتقدند که برای قابل کاربرد بودن قواعد حقوقی خارج از سازمان جهانی تجارت جهت تفسیر قواعد حقوقی این سازمان، قواعد مورد استفاده باید قصد و نیت مشترک کلیه اعضای این سازمان را منعکس کند و گرنه استفاده از قواعد مذکور به‌منزله ایجاد قواعد جدیدی در سازمان جهانی تجارت خواهد بود. ر. ک. به:

- Pauwelyn, Joost, *op. cit.*, 2001, p. 572-276.

۱۳- هیأت‌های رسیدگی و رکن حل‌اختلاف سازمان جهانی تجارت در برخی از گزارش‌های خود به‌اصول کلی حقوقی همچون اصل حسن نیت و اصل تناسب استناد کرده‌اند. ر. ک. به:

- Marceau, Gabrielle, *op. cit.*, p. 780, note 84.

14- United Nations, *Charter of the United Nations and Statute of the International Court of Justice*,

شماره ۹، پاییز ۱۳۸۷  
فصلنامه حقوق و سیاست

حقوق

New York: United Nations Department of Public Information.

15- Marceau, Gabrielle, *op. cit.*, p. 785-786.

۱۶- برای آشنایی با اصل کلی حسن نیت، از جمله، ر. ک. به: فلسفی، هدایت‌الله، پیشین، صص ۴۴۹-۴۴۷.

۱۷- مقتدر، هوشنگ، *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، صص ۲۹۸-۲۹۷.

18- Marceau, Gabrielle. *op. cit.*, p. 791-796; Joost Pauwelyn, *op. cit.*, 2001, p. 550-552

- Dean Dalke. *op. cit.*, p. 22.

19- Marceau, Gabrielle, *op. cit.*, p. 7795-805.

20- Zagel, Gudrun Monika, *op. cit.*, p. 17-20 <<http://www.worldtradelaw.net/articles/zagelhumanrights.pdf>>

and Dean Dalke, *op. cit.*, p. 6-7.

دانشگاه حقوق و سیاست  
شماره ۱۳۸۱  
۲۸